

گذشته نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی*

ایران کلباسی (پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

مقدمه

در باره وجود شناسه سوم شخص مفرد در ستاک گذشته افعال ایرانی و استفاده از صفت مفعولی به جای ستاک گذشته در بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی، نگارنده دو مقاله با عنوان‌های «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی» و «تحلیل فعل ایرانی با دیدی نو» به رشته تحریر درآورده است که اولی در مجله فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (۱۳۷۵)، چاپ شده و دومی در مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد (۱۳۷۶) منتشر شده است.

در مقاله اول به این نتیجه رسیده‌ام که چون گونه‌ای از شناسه سوم شخص مفرد در ستاک گذشته افعال ایرانی وجود دارد شناسه سوم شخص مفرد در زمان گذشته ساده کلیه افعال ایرانی صفر (Ø) است، مانند raft-Ø («رفت» در فارسی معیار) و در مقاله دوم این نتیجه برایم حاصل شد که آن دسته از گویش‌های ایرانی که سوم شخص مفرد زمان گذشته ساده را با شناسه صفر به کار نمی‌برند، در حقیقت، به جای ستاک گذشته از صفت مفعولی استفاده می‌کنند، مانند buxurd-e («خورد» در گیلکی رشت).

در ارتباط با موضوع مقاله دوم باید، گفت که غالب نوشته‌هایی که تا کنون درباره ساخت فعل در گویش‌های کرانه دریای خزر به رشته تحریر درآمده حاکی از آن است که

* این مقاله در نخستین همایش ملی ایران‌شناسی که در خرداد ۱۳۸۱ به همت بنیاد ایران‌شناسی برگزار گردید به صورت سخنرانی ارائه شده است.

در بعضی از این گویش‌ها گذشته نقلی وجود ندارد و گویشوران آنها برای بیان گذشته نقلی از گذشته ساده استفاده می‌کنند.

نگارنده در مقاله حاضر با دسته‌بندی انواع ساخت‌های زمان گذشته ساده و گذشته نقلی در ۱۶۰ لهجه و گویش ایرانی در صدد دست یافتن به این نتیجه است که گویش‌های مورد اشاره برعکس آنچه تصور شده است، در حقیقت، برای بیان گذشته ساده از گذشته نقلی استفاده می‌کنند. به عبارت دیگر، این گونه گویش‌ها گذشته نقلی دارند ولی گذشته ساده ندارند.

در زیر در ابتدا ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی را در فارسی میانه، به اختصار، بیان می‌کنیم، سپس انواع ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی را در لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی ارائه می‌دهیم و در پایان به نتیجه‌گیری می‌پردازیم.

۱. ساخت گذشته ساده و گذشته نقلی در فارسی میانه

در فارسی میانه، زمان گذشته ساده، در افعال لازم، با کمک فعل h- (بودن) ساخته می‌شده و در افعال متعدی ساخت ارگتیو^۲ به کار می‌رفته است:

raft	hēm	رفتم
raft	hē	رفتی
raft	∅	رفت
raft	hēm	رفتیم
raft	hēd	رفتید
raft	hēnd	رفتند

(۱) لهجه‌ها و گویش‌هایی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارت‌اند از: ابیانه‌ای، افتری، بافتی، بندرعباسی، بلوچی لاشار، تاتی تاکستان، تاتی ینگلی امام، تالشی طاسکوه ماسال، تالشی میرزانق اردبیل، نویسرکانی، جیرفتی، حاجی‌آبادی، خوانساری، دری زردشتی یزد، دلجانی، دماوندی، زابلی، زرنندی، سبزواری، سمنانی، سیرجانی، شاهرودی، فارسی اصفهان، فارسی تهران، فارسی تاجیکی، فارسی معیار، قانی، کاخکی، کردی روستای حریر، کردی سنندج، کردی کرمانشاه، کردی کلیانی، کردی مهاباد، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان همدان، گویش کلیمیان بروجرد، گیلکی املش، گیلکی حسن‌کیاده، گیلکی دستک، گیلکی رشت، لاری، لاری خنج، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجدسلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهان، لکی خواجه‌وندی کلاردشت، لکی دره‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لنجانی، مازندرانی آمل، مازندرانی تنکابن، مازندرانی ساری، مازندرانی سوادکوه، مازندرانی کلاردشت، نائینی، نجف‌آبادی، وازانی، ورامینی (گونه پیشوا) و همدانی.

(۲) برای آگاهی از ساخت ارگتیو ← کلباسی (۱۳۶۷ب) ص ۷۰-۸۷.

۱-۲ u-m	dīd	دیدم
u-t	dīd	دیدي
u-š	dīd	دید
u-mân	dīd	دیدیم
u-tân	dīd	دیدید
u-šân	dīd	دیدند

گذشته نقلی افعال لازم در فارسی میانه^۳ با فعل کمکی *estâdan* (ایستادن) ساخته می‌شده و گذشته نقلی افعال متعدی نیز به کمک همین فعل و با ساخت ارگتیو بیان می‌شده است:

۱-۳ raft	estēm	رفته‌ام
raft	estē(h)	رفته‌ای
raft	estēd	رفته است
raft	estēm	رفته‌ایم
raft	estēd	رفته‌اید
raft	estēnd	رفته‌اند

۱-۴ u-m	dīd	estēd	دیده‌ام
u-t	dīd	estēd	دیده‌ای
u-š	dīd	estēd	دیده است
u-mân	dīd	estēd	دیده‌ایم
u-tân	dīd	estēd	دیده‌اید
u-šân	dīd	estēd	دیده‌اند

۲. انواع ساخت گذشته ساده در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز

ساخت گذشته ساده را در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی مورد بررسی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم:

۲-۱ شناسه + ستاک گذشته + پیشوند (۵ شخص)

ø + ستاک گذشته + پیشوند (سوم شخص مفرد)

این ساخت را در گویش‌های قاینی، تاتی ینگی امام، سبزواری، شاهرودی، گیلکی

املش و دماوندی در افعال لازم و متعدی و در گویش‌های کلیمیان اصفهان و خوانساری
در افعال لازم می‌توان مشاهده کرد:

bo-fruxt-om	فروختم (فاینی)
bo-fruxt-ø	فروخت (فاینی)
be-xerd-em	خوردم (تاتی ینگ‌ی امام)
be-xerd-ø	خورد (تاتی ینگ‌ی امام)
bo-xârd-om	خوردم (سبزواری)
bo-xârd-ø	خورد (سبزواری)
bo-xord-om	خوردم (شاهرودی)
bo-xord-ø	خورد (شاهرودی)
bu-xond-əm	خواندم (گیلکی املش)
bu-xond-ø	خواند (گیلکی املش)
be-gartâ-un	گشتم (گویش کلیمیان اصفهان)
be-gartâ-ø	گشت (گویش کلیمیان اصفهان)
be-resâ-n	رسیدم (خوانساری)
be-resâ-ø	رسید (خوانساری)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + میشوند ۲-۲

جنس مؤنث /ø + ستاک گذشته + میشوند (سوم شخص مقرر)

این ساخت را در گویش‌های دلجانی، ایبانه‌ای، تاتی تاکستان، سمنانی و واران‌ی در
افعال لازم می‌توان یافت:

ba-šd-on	رفتم (دلجانی)
ba-šd-ø	رفت [مذکر] (دلجانی)
ba-šd-a	رفت [مؤنث] (دلجانی)
ba-št-on	رفتم (ایبانه‌ای)
ba-št-ø	رفت [مذکر] (ایبانه‌ای)
ba-št-a	رفت [مؤنث] (ایبانه‌ای)
â-niš-em	نشستم (تاتی تاکستان)
â-niš-ø	نشست [مذکر] (تاتی تاکستان)
â-niš-ε	نشست [مؤنث] (تاتی تاکستان)
be-ši-yun	رفتم (سمنانی)
be-šâ-ø	رفت [مذکر] (سمنانی)

be-si-ya	رفت [مؤنث] (سمنانی)
hâ-xot-om	خوابیدم (وارانی)
hâ-xot-ø	خوابید [مذکر] (وارانی)
hâ-xot-a	خوابید [مؤنث] (وارانی)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۲-۳

(سوم شخص مفرد) ak/ø + ستاک گذشته + پیشوند

این مورد در گویش زابلی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

ba-froxt-o	فروختم
ba-froxt-ak/ø	فروخت

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۲-۴

(سوم شخص مفرد) ak/ø + ستاک گذشته

این مورد در لهجه ورامینی (گونه پیشوا) دیده شده است و در افعال لازم و متعدی به کار می‌رود:

goft-om	گفتم
goft-ak/ø	گفت

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته ۲-۵

(سوم شخص مفرد) ø + ستاک گذشته

این ساخت را در غالب لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی مانند فارسی اصفهان، بافتی، بلوچی لاشار، بندرعباسی، فارسی تاجیکی، تویسرکانی، فارسی تهران، جیرفتی، حاجی آبادی، لاری خنج، خوانساری، دری زردشتی، زرنندی، کردی کرمانشاه، کردی کلیائی، کردی سنندج، کردی مهاباد، لاری، لری بختیاری اردل، لری بختیاری مسجد سلیمان، لری بویراحمد، لری بهبهان، لکی خواجه‌وندی کلاردشت، لکی دره‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لنجانی، نائینی، نجف‌آبادی و همدانی می‌توان یافت که در بعضی تنها در افعال لازم به کار می‌رود و در بعضی دیگر هم در افعال لازم و هم در افعال متعدی کاربرد دارد. در اینجا تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم:

nešt-om	نشستم (بندرعباسی)
nešt-ø	نشست (بندرعباسی)
nešt-om	نشستم (جیرفتی)

nešt-ø نشست (جیرفتی)
 (۵ شخص) گونه‌ای از «است» a + شناسه + ستاک گذشته ۲-۶
 (سوم شخص مفرد) ø + a + ستاک گذشته
 این مورد در گویش تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم دیده شده است:

ši-m-a رفتم
 ši-ø-a → ša رفت
 (۶ شخص) گونه‌ای از «است» a + ضمیر + ستاک گذشته ۲-۷
 در گویش مذکور، این مورد در افعال متعدی دیده شده است:

vind-əm-a دیدم
 vind-əš-a دید
 (۶ شخص) ضمیر + ستاک گذشته ۲-۸

این ساخت در گویش‌های جیرفتی، لکی درّه‌شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لری بهبهان، کردی روستای حریر، کردی مهاباد، کردی سنندج و بلوچی لاشار دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

xoward-om خوردم (جیرفتی)
 xoward-i خورد (جیرفتی)
 howārd-əm خوردم (لکی دره‌شهر)
 howārd-i خورد (لکی دره‌شهر)
 wārd-əm خوردم (لکی کاکاوندی قزوین)
 wārd-e خورد (لکی کاکاوندی قزوین)
 dit-am دیدم (لری بهبهان)
 dit-ay دید (لری بهبهان)
 xwārd-əm خوردم (کردی روستای حریر)
 xwārd-i خورد (کردی روستای حریر)
 hēnā-m آوردم (کردی مهاباد)
 hēnā-y آورد (کردی مهاباد)
 xwārd-em خوردم (کردی سنندج)
 xwārd-i خورد (کردی سنندج)
 wart-om خوردم (بلوچی لاشار)
 wart-i خورد (بلوچی لاشار)

ستاک گذشته + ضمیر ۹-۲ (۶ شخص)

این مورد در گویش‌های لاری، لاری خنج، بندرعباسی، حاجی آبادی، نائینی و دری زردشتی دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

om-sâxt	ساختم (لاری)
oš-sâxt	ساخت (لاری)
om-di	دیدم (لاری خنج)
oš-di	دید (لاری خنج)
om-go	گفتم (بندرعباسی)
i-go	گفت (بندرعباسی)
om-puši	پوشیدم (حاجی آبادی)
eš-puši	پوشید (حاجی آبادی)
mu-wat	گفتم (نائینی)
šu-wat	گفت (نائینی)
om-xa	خوردم (دری زردشتی)
oš-xa	خورد (دری زردشتی)

ستاک گذشته + ضمیر + پیشوند ۱۰-۲ (۶ شخص)

این مورد در گویش ایبانه‌ای، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان همدان، خوانساری، واران‌ی و دل‌جانی دیده شده و مخصوص افعال متعدی است:

ba-m-vot	گفتم (ایبانه‌ای)
ba-y-vot	گفت (ایبانه‌ای)
be-m-pušd	پوشیدم (گویش کلیمیان اصفهان)
be-š-pušd	پوشید (گویش کلیمیان اصفهان)
be-m-ferât	فروختم (گویش کلیمیان بروجرد)
be-š-ferât	فروخت (گویش کلیمیان بروجرد)
be-m-xort	خوردم (گویش کلیمیان همدان)
be-š-xort	خورد (گویش کلیمیان همدان)
be-m-bert	بردم (خوانساری)
be-ž-bert	برد (خوانساری)
be-m-did	دیدم (واران‌ی)
be-š-did	دید (واران‌ی)
hâ-m-dâ	دادم (دل‌جانی)

hâ-š-dâ	داد (دلجانی)
۲-۱۱	(۶ شخص)
ضمیر + ستاک گذشته + پیشوند	
این ساخت در گویش‌های افتری، تاتی تاکستان و سمنانی برای افعال متعدی به کار می‌رود و در گویش کاخکی هم در افعال لازم و هم در افعال متعدی کاربرد دارد:	
be-vât-om	گفتم (افتری)
be-vât-oš	گفت (افتری)
be-kerd-em	کاشتم (تاتی تاکستان)
be-kerd-eš	کاشت (تاتی تاکستان)
bu-kkuvât-an	زدم (سمنانی)
bu-kkuvât-eš	زد (سمنانی)
be-raft-om	رفتم (کاخکی)
be-raft-eš	رفت (کاخکی)
bi-yavord-om	آوردم (کاخکی)
bi-yavord-eš	آورد (کاخکی)

۳. انواع ساخت گذشته‌نقلی در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز ساخت گذشته‌نقلی را در لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی مورد بررسی به انواع زیر تقسیم می‌کنیم:

۳-۱	(۵ شخص)
شناسه + صفت مفعولی + پیشوند	
∅	(سوم شخص مفرد)
+ صفت مفعولی + پیشوند	
این ساخت را در گویش‌های سبزواری و دماوندی در افعال لازم و متعدی و در گویش کلیمیان اصفهان و خوانساری در افعال لازم می‌توان مشاهده کرد:	
bo-xârda-yom	خورده‌ام (سبزواری)
bo-xârda-∅	خورده است (سبزواری)
ba-duخته-m	دوخته‌ام (دماوندی)
ba-duخته-∅	دوخته است (دماوندی)
be-garta-un	گشته‌ام (گویش کلیمیان اصفهان)
be-garta-∅	گشته است (گویش کلیمیان اصفهان)
be-broftey-ân	گریه کرده‌ام (خوانساری)
be-broftey-∅	گریه کرده است (خوانساری)

(۵ شخص) شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۲-۳
(سوم شخص مفرد) + صفت مفعولی + پیشوند
این ساخت را در گویش‌های شاهرودی و گیلکی املش در افعال لازم و متعدی و در
گویش دری زردشتی و نائینی در افعال لازم می‌توان دید:

bo-xord-om	خورده‌ام (شاهرودی)
bo-xorde-∅	خورده است (شاهرودی)
bu-xond-am	خوانده‌ام (گیلکی املش)
bu-xonde-∅	خوانده است (گیلکی املش)
i-našt-e	نشسته‌ام (دری زردشتی)
i-našta-∅	نشسته است (دری زردشتی)
he-nigišt-i	نشسته‌ام (نائینی)
he-nigište-∅	نشسته است (نائینی)

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی مرخم + پیشوند ۳-۳
(سوم شخص مفرد) + صفت مفعولی + پیشوند
این مورد را در سمنانی می‌توان دید که مخصوص افعال لازم است:

be-šič-un	رفته‌ام
be-šiči-∅	رفته است

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی + پیشوند ۳-۴
(سوم شخص مفرد) (گونه‌هایی از «است») e/a + صفت مفعولی + پیشوند
این مورد را در گویش‌های قاینی و تاتی ینگلی امام در افعال لازم و متعدی می‌توان

دید:

bo-xârde-yom	خورده‌ام (قاینی)
bo-xârde-ye	خورده است (قاینی)
be-xerdi-yam	خورده‌ام (تاتی ینگلی امام)
be-xerdi-ya	خورده است (تاتی ینگلی امام)

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی + پیشوند ۳-۵
(سوم شخص مفرد) جنس مؤنث / ∅ + صفت مفعولی + پیشوند
این ساخت در گویش‌های ایبانه‌ای، تاتی تاکستان و وارانلی در افعال لازم دیده شده

است:

ba-štā-ʔon	رفته‌ام (ایبانه‌ای)
ba-štā-ʔ	رفته است [مذکر] (ایبانه‌ای)
ba-štā-ʔa	رفته است [مؤنث] (ایبانه‌ای)
â-nište-ym	نشسته‌ام (تاتی تاکستان)
â-ništi-ʔ	نشسته است [مذکر] (تاتی تاکستان)
â-ništi-yâ	نشسته است [مؤنث] (تاتی تاکستان)
hâ-xote-yom	خوابیده‌ام (وارانی)
hâ-xotu-ʔ	خوابیده است [مذکر] (وارانی)
hâ-xote-se	خوابیده است [مؤنث] (وارانی)

شناسه + ستاک گذشته ۶-۳ (۵ شخص)

∅ + صفت مفعولی (سوم شخص مفرد)

این مورد در گویش‌ها یا لهجه‌های تویسرکانی، همدانی، ورامینی، سیرجانی و فارسی تهران در افعال لازم و متعددی به کار می‌رود. شایان ذکر است که جای تکیه در این گونه افعال معمولاً بر آخرین هجا قرار می‌گیرد:

bast-am	بسته‌ام (تویسرکانی)
baste-ʔ	بسته است (تویسرکانی)
basd-am	بسته‌ام (همدانی)
basde-ʔ	بسته است (همدانی)
goft-om	گفته‌ام (ورامینی)
gofte-ʔ	گفته است (ورامینی)
pušid-av	پوشیده‌ام (سیرجانی)
pušide-ʔ	پوشیده است (سیرجانی)
xord-am	خورده‌ام (فارسی تهران)
xorde-ʔ	خورده است (فارسی تهران)

شناسه + صفت مفعولی ۷-۳ (۵ شخص)

∅ + صفت مفعولی (سوم شخص مفرد)

این مورد در زابلی، در افعال لازم و متعددی، و در لری بهبهان، در افعال لازم دیده شده است:

xârda-o → xârdâ	خورده‌ام (زابلی)
xârda-ʔ	خورده است (زابلی)
šase-yam	نشسته‌ام (لری بهبهان)

šase-ø

نشسته است (لری بهبهان)

۳-۸ شناسه + صفت مفعولی (مرخم)

(۵ شخص)

s/ø + صفت مفعولی

(سوم شخص مفرد)

این ساخت در فارسی اصفهان، لنجانی و نجف‌آبادی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

pušid-am

پوشیده‌ام (فارسی اصفهان)

pušide-y

پوشیده‌ای (فارسی اصفهان)

pušide-s/ø

پوشیده است (فارسی اصفهان)

šenoft-am

شنیده‌ام (لنجانی)

šenofte-y

شنیده‌ای (لنجانی)

šenofte-s/ø

شنیده است (لنجانی)

xord-am

خورده‌ام (نجف‌آبادی)

xorde-y

خورده‌ای (نجف‌آبادی)

xorde-s/ø

خورده است (نجف‌آبادی)

۳-۹ شناسه + صفت مفعولی

(۵ شخص)

ast + صفت مفعولی

(سوم شخص مفرد)

این مورد در فارسی معیار و فارسی تاجیکی در افعال لازم و متعدی وجود دارد:

xorde-?am

خورده‌ام (فارسی معیار)

xorde-?ast

خورده است (فارسی معیار)

gufta-?am

گفته‌ام (فارسی تاجیکی)

gufta-?ast

گفته است (فارسی تاجیکی)

۳-۱۰ گونه‌ای از «است» + a + شناسه + ستاک گذشته

(۵ شخص)

a + صفت مفعولی

(سوم شخص مفرد)

این ساخت در گویش‌های کردی کلیائی، کردی کرمانشاه و لکی خواجهوندی

کلاردشت در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

xwârd-em-a

خورده‌ام (کردی کلیائی)

xwârde-ya

خورده است (کردی کلیائی)

wat-em-a

گفته‌ام (کردی کرمانشاه)

wati-ya

گفته است (کردی کرمانشاه)

vârd-em-a

خورده‌ام (لکی خواجهوندی کلاردشت)

vârde-ya

خورده است (لکی خواجهوندی کلاردشت)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») a + شناسه + صفت مفعولی ۳-۱۱

(سوم شخص مفرد) a + صفت مفعولی

این مورد در تالشی طاسکوه ماسال در افعال لازم دیده شده است:

šay-m-a رفته‌ام

šay-a → ša رفته است

(۵ شخص) شناسه + صفت مفعولی ۳-۱۲

(سوم شخص مفرد) (گونه‌ای از «است») a + صفت مفعولی

این مورد در کردی مهاباد در افعال لازم دیده شده است:

kawtū-m افتاده‌ام

kawtū-wa افتاده است

(۵ شخص) (گونه‌هایی از «است») e/a/en + شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۳

(سوم شخص مفرد) e/a/en + Ø + ستاک گذشته

این ساخت را در گویش‌های کردی روستای حریر، بندرعباسی، لکی دره‌شهر و لکی کاکاوندی قزوین در افعال لازم و در گویش‌های لری بختیاری مسجدسلیمان و لری بویراحمد در افعال لازم و متعددی می‌توان مشاهده کرد:

dawi-m-a دویده‌ام (کردی روستای حریر)

dawi-Ø-ya دویده است (کردی روستای حریر)

nešt-am-(en) نشست‌ام (بندرعباسی)

nešt-Ø-en نشست است (بندرعباسی)

hât-əm-a آمده‌ام (لکی دره‌شهر)

hât-Ø-a آمده است (لکی دره‌شهر)

bi-m-a بود‌ام (لکی کاکاوندی قزوین)

bi-Ø-ya بوده است (لکی کاکاوندی قزوین)

goδ-om-e گفته‌ام (لری بختیاری مسجدسلیمان)

goδ-Ø-e گفته است (لری بختیاری مسجدسلیمان)

xond-em-e خوانده‌ام (لری بویراحمد)

xond-Ø-e خوانده است (لری بویراحمد)

(۵ شخص) (گونه‌ای از «است») e + شناسه + ستاک گذشته ۳-۱۴

(سوم شخص مفرد) e + Ø + ستاک گذشته

این مورد در گویش لری بختیاری اردل در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

xard-om-e خورده‌ام

xard-ak-∅ خورده است

۳-۱۵ شناسه + eg + ستاک گذشته + (پیشوند) (۵ شخص)

(سوم شخص مفرد) (گونه‌هایی از «است») + eg + e/a + ستاک گذشته + (پیشوند)

این مورد در گویش‌های بلوچی لاشار و کردی سنندج در افعال لازم دیده شده است:

nest-eg-om نشسته‌ام (بلوچی لاشار)

nest-eg-e نشسته است (بلوچی لاشار)

da-nīšt-eg-em نشسته‌ام (کردی سنندج)

da-nīšt-eg-a نشسته است (کردی سنندج)

۳-۱۶ شناسه + agi + ستاک گذشته (۵ شخص)

(سوم شخص مفرد) + agi + ast + ستاک گذشته

این مورد در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

xurd-agi-yam خورده‌ام

xurd-agi-yast خورده است

۳-۱۷ شناسه + agi + st + ستاک گذشته (۵ شخص)

(سوم شخص مفرد) + agi + st + ∅ + ستاک گذشته

این مورد نیز در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی، در افعال لازم و متعدی، دیده شده

است:

xurd-agi-st-am (شاید) خورده‌ام

xurd-agi-st-∅ (شاید) خورده است

۳-۱۸ شناسه + est/ess + ستاک گذشته (۵ شخص)

(سوم شخص مفرد) + est/ess + ∅ + ستاک گذشته

این ساخت در گویش‌های حاجی‌آبادی و لاری در افعال لازم دیده شده است:

nešt-est-om نشسته‌ام (حاجی‌آبادی)

nešt-est-∅ نشسته است (حاجی‌آبادی)

xat-ess-em خوابیده‌ام (لاری)

xat-ess-∅ خوابیده است (لاری)

۳-۱۹ شناسه + est + ستاک گذشته (۵ شخص)

∅ + صفت مفعولی

(سوم شخص مفرد)

این مورد در گویش لاری خنج در افعال لازم دیده شده است:

ond-est-om

آمده‌ام

onde-∅

آمده است

شناسه + ∅ + ستاک گذشته ۲۰-۳

(۵ شخص)

∅ + ∅ + ستاک گذشته

(سوم شخص مفرد)

این مورد در گویش جیرفتی در افعال لازم دیده شده است:

nešt-o-hom

نشسته‌ام

nešt-o-∅

نشسته است

ضمیر + صفت مفعولی (مرخّم) + پیشوند ۲۱-۳

(۶ شخص)

این مورد در گویش‌های تاتی تاکستان، افتری و سمنانی، در افعال متعدی، و در

کاخکی، در افعال لازم و متعدی، دیده شده است:

be-kerdi-m

کاشته‌ام (تاتی تاکستان)

be-kerdi-š

کاشته است (تاتی تاکستان)

be-vâta-m

گفته‌ام (افتری)

be-vâta-(š)

گفته است (افتری)

bu-kkuváč-an

زده‌ام (سمنانی)

bu-kkuváčey-š

زده است (سمنانی)

be-rafte-yom

رفته‌ام (کاخکی)

be-rafte-yeš

رفته است (کاخکی)

صفت مفعولی + ضمیر + پیشوند ۲۲-۳

(۶ شخص)

این مورد در ایبانه‌ای، گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان

همدان، خوانساری و واران‌ی در افعال متعدی دیده شده است:

ba-m-votâ

گفته‌ام (ایبانه‌ای)

ba-y-votâ

گفته است (ایبانه‌ای)

be-m-pušde

پوشیده‌ام (گویش کلیمیان اصفهان)

be-š-pušde

پوشیده است (گویش کلیمیان اصفهان)

be-m-ferâte

فروخته‌ام (گویش کلیمیان بروجرد)

be-š-ferâte

فروخته است (گویش کلیمیان بروجرد)

be-m-xorte

خورده‌ام (گویش کلیمیان همدان)

be-š-xorte	خورده است (گویش کلیمیان همدان)
be-m-xortey	خورده‌ام (خوانساری)
be-ž-xortey	خورده است (خوانساری)
be-m-dido	دیده‌ام (وارانی)
be-š-dido	دیده است (وارانی)

صفت مفعولی + پیشوند + ضمیر ۲۳-۳ (۶ شخص)

این مورد در گویش دری زردشتی یزد در افعال متعدی کاربرد دارد:

m-i-xarta	خورده‌ام
š-i-xarta	خورده است

صفت مفعولی + ضمیر ۲۴-۳ (۶ شخص)

این ساخت در گویش‌های نائینی، لاری و لاری خنج در افعال متعدی دیده شده است:

mī-riyε	خریده‌ام (نائینی)
šī-riyε	خریده است (نائینی)
om-dede	دیده‌ام (لاری)
oš-dede	دیده است (لاری)
om-dede	دیده‌ام (لاری خنج)
oš-dede	دیده است (لاری خنج)

گونه‌ای از «است» + en + ستاک گذشته + ضمیر ۲۵-۳ (۶ شخص)

این مورد در حاجی آبادی و بندرعباسی در افعال متعدی دیده شده است:

om-pušid-en	پوشیده‌ام (حاجی آبادی)
oš-pušid-en	پوشیده است (حاجی آبادی)
om-goft-en	گفته‌ام (بندرعباسی)
i-goft-en	گفته است (بندرعباسی)

گونه‌هایی از «است» + a/en + ضمیر + صفت مفعولی ۲۶-۳ (۶ شخص)

این مورد در کردی مهاباد، تالشی طاسکوه ماسال و لری بهبهان در افعال متعدی دیده شده است:

hēnāw-m-a	آورده‌ام (کردی مهاباد)
hēnāw-ī-ya	آورده است (کردی مهاباد)

- vinda-m-a دیده‌ام (تالشی طاسکوه ماسال)
vinda-š-a دیده است (تالشی طاسکوه ماسال)
esede-m-en گرفته‌ام (لری بهبهان)
esede-š-en گرفته است (لری بهبهان)
- ۳-۲۷ (۶ شخص) گونه‌هایی از «است» + a/ene + ضمیر + ستاک گذشته
این ساخت در کردی روستای حریر، لکی کاکاوندی قزوین، لکی درّه شهر و جیرفتی،
در افعال متعدی، دیده شده است:
- xwârd-em-a خورده‌ام (کردی روستای حریر)
xwârd-e-ya خورده است (کردی روستای حریر)
wârd-em-a خورده‌ام (لکی کاکاوندی قزوین)
wârd-e-ya خورده است (لکی کاکاوندی قزوین)
dâšt-əm-a داشته‌ام (لکی درّه شهر)
dâšt-i-ya داشته است (لکی درّه شهر)
xowar(d)-m-ene خورده‌ام (جیرفتی)
xowar(d)-š-ene خورده است (جیرفتی)
- ۳-۲۸ (۶ شخص) ضمیر + eg + ستاک گذشته
این مورد در بلوچی لاشار در افعال متعدی دیده شده است:
- wart-eg-om خورده‌ام
wart-eg-i خورده است
- ۳-۲۹ (۶ شخص) گونه‌ای از «است» + a + ضمیر + eg + ستاک گذشته
این مورد در کردی سنندج در افعال متعدی دیده شده است:
- xwârd-eg-m-a خورده‌ام
xwârd-eg-y-a خورده است
- ۳-۳۰ (۶ شخص) ضمیر + agi + ستاک گذشته
این مورد در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی در افعال متعدی دیده شده است:
- zad-agi-yam زده‌ام
zad-agi-yaš زده است
- ۳-۳۱ (۶ شخص) agi + ستاک گذشته + ضمیر آزاد
این مورد نیز در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی در افعال متعدی دیده شده است:
- man zad-agi زده‌ام

زده است

vay zad-agi

۴. ساخت‌های یکسان برای گذشته ساده و گذشته نقلی

در گویش‌های مورد بررسی ساخت‌های زیر برای گذشته ساده و گذشته نقلی، هر دو، به کار می‌روند و دارای انواع زیرند:

(۵ شخص)
شناسه + ستاک گذشته ۴-۱
Ø + ستاک گذشته (سوم شخص مفرد)

این مورد در لهجه‌های بافتی و زرنندی در افعال لازم و متعدی دیده شده است:

kāšt-am کاشتم، کاشته‌ام (بافتی)
kāšt-Ø کاشت، کاشته است (بافتی)
xord-am خوردم، خورده‌ام (زرنندی)
xord-Ø خورد، خورده است (زرنندی)

(۵ شخص)
شناسه + ستاک گذشته + پیشوند ۴-۲
Ø + صفت مفعولی + پیشوند (سوم شخص مفرد)

این ساخت در گویش کلیمیان بروجرد و گویش کلیمیان همدان در افعال لازم و در بسیاری از گونه‌های مازندرانی، مثلاً گونه‌های رایج در تنکابن، آمل، ساری، کلاردشت، سوادکوه، و گونه‌های گیلکی رایج در حسن‌کیاده، رشت و دستک در افعال لازم و متعدی به کار می‌رود:

be-šd-om رفتم، رفته‌ام (گویش کلیمیان بروجرد)
be-šdo-Ø رفت، رفته است (گویش کلیمیان بروجرد)
be-mund-ân ماندم، مانده‌ام (گویش کلیمیان همدان)
be-mundu-Ø ماند، مانده است (گویش کلیمیان همدان)
bo-xârd-om خوردم، خورده‌ام (مازندرانی تنکابن)
bo-xârdə-Ø خورد، خورده است (مازندرانی تنکابن)
ba-xærd-əmə خوردم، خورده‌ام (مازندرانی آمل)
ba-xærdə-Ø خورد، خورده است (مازندرانی آمل)
ba-xord-eme خوردم، خورده‌ام (مازندرانی ساری)
ba-xordə-Ø خورد، خورده است (مازندرانی ساری)
ba-xord-eme خوردم، خورده‌ام (مازندرانی کلاردشت)
ba-xorde-Ø خورد، خورده است (مازندرانی کلاردشت)

de-kâšt-eme	کاشتم، کاشته‌ام (مازندرانی سوادکوه)
de-kâšte-ø	کاشت، کاشته است (مازندرانی سوادکوه)
bu-xond-am	خواندم، خوانده‌ام (گیلکی حسن‌کیاده)
bu-xonda-ø	خواند، خوانده است (گیلکی حسن‌کیاده)
bu-xurd-əm	خوردم، خورده‌ام (گیلکی رشت)
bu-xurdə-ø	خورد، خورده است (گیلکی رشت)
bu-xord-am	خوردم، خورده‌ام (گیلکی دستک)
bu-xordə-ø	خورد، خورده است (گیلکی دستک)

۴-۳ شناسه + (e)št + ستاک گذشته + پیشوند ۴-۳ (۵ شخص)

ø + صفت مفعولی + پیشوند (سوم شخص مفرد)

این مورد در گویش افتری در افعال لازم دیده شده است:

be-nerā-št-i	نشستم، نشسته‌ام
be-nerāʔa-ø	نشست، نشسته است

۴-۴ (گونه‌ای از «است») + e + شناسه + صفت مفعولی ۴-۴ (۵ شخص)

e + صفت مفعولی (سوم شخص مفرد)

این مورد در تالشی میرزاتق اردبیل در افعال لازم دیده شده است:

nešta-m-(e)	نشستم، نشسته‌ام
nešta-(ye)	نشست، نشسته است

۴-۵ (گونه‌ای از «است») + e + ضمیر + صفت مفعولی ۴-۵ (۶ شخص)

در گویش مذکور، این مورد، در افعال متعددی دیده شده است:

hârda-m-e	خوردم، خورده‌ام
hârda-š-e	خورد، خورده است

نتیجه‌گیری

از بررسی ساخت‌های گذشته ساده و گذشته نقلی در ۶۰ لهجه و گویش ایرانی می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱. بعضی از لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز، مانند فارسی میانه، برای ساخت گذشته نقلی از صورت‌هایی از فعل *estâdan* (ایستادن) استفاده می‌کنند، مانند *-st*، *-est*، *-ess*، *-št* و *-ešt*. شماره‌های ۱۷-۳ تا ۱۹-۳ و ۳-۳.

۲. در حالی که فارسی میانه تنها دو ساخت برای گذشته ساده و دو ساخت برای گذشته نقلی دارد لهجه‌ها و گویش‌های ایرانی امروز که مورد بررسی قرار گرفته‌اند ۱۱ ساخت برای گذشته ساده، ۳۱ ساخت برای گذشته نقلی و ۵ ساخت مشترک برای گذشته ساده و گذشته نقلی دارند. ← شماره‌های ۱-۱ تا ۴-۱، ۱-۲ تا ۱۱-۲، ۱-۳ تا ۳۱-۳ و ۴-۱ تا ۴-۵.

۳. بعضی از گویش‌ها، مانند فارسی میانه، تنها افعال متعددی را به صورت ارگتیو بیان می‌کنند، مانند گویش کلیمیان اصفهان، گویش کلیمیان همدان، گویش کلیمیان بروجرد، خوانساری، دلجان، ایبانه‌ای، تاتی تاکستان، سمنانی، واران، تالشی طاسکوه ماسال، جیرفتی، افتری، لکی دزّه شهر، لکی کاکاوندی قزوین، لری بهبهان، کردی مهاباد، کردی روستای حریر، کردی سنندج، بلوچی لاشار، لاری، لاری خنج، بندرعباسی، حاجی‌آبادی، نائینی، دری زردشتی و بعضی از لهجه‌های فارسی تاجیکی، ولی بعضی مانند گویش کاخکی هم افعال لازم و هم افعال متعددی را با ساخت ارگتیو می‌سازند. ← شماره‌های ۱۱-۲ و ۲۱-۳.

۴. تنها بعضی از گویش‌ها برای ساخت گذشته ساده از پیشوند تصریفی استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۱-۲ تا ۳-۲ و ۱۰-۲ و ۱۱-۲.

۵. تنها بعضی از گویش‌ها برای ساخت گذشته نقلی از پیشوند تصریفی استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۱-۳ تا ۵-۳ و ۲۱-۳ تا ۲۳-۳.

۶. نشانه جنس تنها در گویش‌های دلجان، ایبانه‌ای، تاتی تاکستان، سمنانی و واران دیده شده است. ← شماره‌های ۲-۲ و ۵-۳.

۷. شناسه سوم شخص مفرد در گذشته ساده همه لهجه‌ها و گویش‌های مورد بررسی صفر است، به جز آنهایی که به جای شناسه از ضمیر استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۱-۲ تا ۶-۲.

۸. پسوند -ak، پس از ستاک گذشته، تنها در گویش‌های زابلی و لری بختیاری اردل و نیز در لهجه ورامینی دیده شده است که می‌توان آن را نوعی پسوند صفت مفعولی ساز دانست. ← شماره‌های ۳-۲، ۴-۲ و ۱۴-۳.

۹. پسوندهای -agi، -eg و -o که پس از ستاک گذشته می‌آیند نیز نوعی پسوند صفت مفعولی ساز هستند. ← شماره‌های ۱۵-۳ تا ۱۷-۳، ۲۰-۳ و ۲۸-۳ تا ۳۱-۳.

۱۰. تنها در لهجه‌ای از فارسی تاجیکی کاربرد ضمیر آزاد به جای ضمیر پیوسته دیده شده است. ← شماره ۳۱-۳.

۱۱. پسوند -a، که گونه‌ای است از «است»، تنها در گذشته ساده تالشی طاسکوه ماسال، در افعال لازم و متعدی، دیده شده است. ← شماره‌های ۶-۲ و ۷-۲.

۱۲. در گذشته نقلی، تنها بعضی از گویش‌ها از گونه‌ای از «است» به صورت‌های -a، -e، -en، -ene، -s و -ast استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۴-۳، ۸-۳ تا ۱۶-۳، ۲۵-۳ تا ۲۷-۳ و ۲۹-۳.

۱۳. گروهی از لهجه‌ها و گویش‌ها در گذشته نقلی به جای صفت مفعولی از ستاک گذشته استفاده می‌کنند. ← شماره‌های ۲-۳، ۶-۳، ۱۰-۳، ۱۳-۳ تا ۲۰-۳، ۲۵-۳ و ۲۷-۳ تا ۳۱-۳.

۱۴. در گویش‌ها و لهجه‌هایی که برای گذشته ساده و گذشته نقلی ساخت‌های یکسان دارند، معادل این ساخت‌ها در ساخت‌های متفاوت گذشته ساده و گذشته نقلی نیز دیده می‌شود. مثلاً در نمونه‌های زیر:

۴-۱	معادل	۲-۵
۴-۲	معادل	۳-۲
۴-۳	معادل	۳-۱۹
۴-۴	معادل	۳-۱۱
۴-۵	معادل	۳-۲۶

۱۵. با توجه به معادله فوق در باره لهجه‌های بافتی و زرنندی که در گروه ۴-۱ قرار دارند می‌توان چنین اظهار داشت که این لهجه‌ها ساخت گذشته نقلی ندارند و به جای آن از گذشته ساده استفاده می‌کنند.

۱۶. و بالاخره با توجه به معادله فوق درباره گویش کلیمیان بروجرد، گویش کلیمیان همدان و افتری (در مورد افعال لازم) و بسیاری از گویش‌های کرانه خزر و تالشی میرزاتوق اردبیل (در مورد افعال لازم و متعدی) می‌توان چنین ادعا کرد که این گویش‌ها گذشته نقلی دارند و آنچه ندارند گذشته ساده است که به جای آن از گذشته نقلی استفاده می‌کنند.

منابع شواهد

- آذری، فروغ (۱۳۷۸-۷۹)، بررسی مقایسه‌ای لهجه نجف آبادی و اصفهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- آموزگار، ژاله و احمد تفضلی (۱۳۷۳)، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، تهران: انتشارات معین.
- آهنی، محمدرضا (۱۳۷۲-۷۳)، بررسی گویش ایبانه از توابع نطنز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- ابوطالب، آذر (۱۳۷۲-۷۳)، بررسی گویش تاتی در ینگی امام، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- اسفندیاری، مرتضی (۱۳۷۳-۷۴)، توصیف ساختمان فعل در گویش کردی کلیانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- اشرفی خوانساری، مرتضی (۱۳۸۱)، «ویژگی‌های افعال در گویش خوانساری»، مجموعه مقالات نخستین هم‌اندیشی گویش‌شناسی ایران، به کوشش حسن رضائی باغبیدی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ص ۴۳-۵۹.
- امیریان بودالو، ربابه (۱۳۷۹-۸۰)، گویش نانشی میرزاق استان اردبیل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- پناهی سمنانی، محمداحمد (۱۳۷۴)، آداب و رسوم مردم سمنان، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورعابدی نائینی، حسن (۱۳۷۲)، گویش نائینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- پورمند، خیرالله (۱۳۷۳-۷۴)، بررسی گویش لکی دژه‌شهر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- پولادی درویش، میترا (۱۳۷۸-۷۹)، توصیف ساختمان فعل در گویش بهدینان مرکز شهر یزد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- جعفری، محمدجواد (۱۳۷۳-۷۴)، بررسی گویش سوادکوهی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- جلالی، واله (۱۳۷۹-۸۰)، مقایسه دو لهجه باغی و زرنندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- جلالی امام، سیده لعیا (۱۳۷۹-۸۰)، بررسی گویش املشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- حکیمی، عبدالعظیم (۱۳۷۲-۷۳)، بررسی گویش شاهرودی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

- خنجی، لطفعلی (۱۳۷۸)، دستور زبان لارستانی بر مبنای گویش خنجی، انتشارات دانشنامه فارس.
- ذوالفقاری، سیما (۱۳۷۶)، گویش بختیاری مسجدسلیمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده).
- زمرّدیان، رضا (۱۳۶۸)، بررسی گویش قاین، انتشارات آستان قدس (معاونت فرهنگی).
- ساداتی، سید مجید (۱۳۷۴)، بررسی گویش دماوندی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- سرمست دستک، داود (۱۳۷۱)، گویش گیلکی حسن‌کیاده (کیاشهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- سنطانی‌نژاد، فرشته (۱۳۷۹)، مقایسه گونه‌های زبانی باغی و جیرفی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- سمائی، سید مهدی (۱۳۷۰)، بررسی گویش تنکابن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- شکری، گیتی (۱۳۷۴)، گویش ساری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شهیدی، اشرف‌السادات (۸۰-۱۳۷۹)، بررسی دوگونه زبانی حاجی‌آبادی و سیرجانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
- شیرزادی‌تبار، بهرام (۷۵-۱۳۷۴)، گویش کردی کرمانشاه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- صفری، حسین (۱۳۷۳)، واژه‌نامه راجی، گویش دلجان، ناشر: مؤلف.
- طاهری، عباس (۱۳۷۰)، گویش تاتی تاکستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده).
- عرب محمدحسینی، مریم (۸۰-۱۳۷۹)، لهجه ورامین (پیشوا)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (چاپ نشده).
- عبدی، رضا (۷۵-۱۳۷۴)، بررسی گویش بختیاری گونه اردل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- فتحی، آذر (۱۳۷۱)، ساخت فعل در گویش بندرعباسی (لهجه محله پشت‌شهر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- فلاح، عنی محمد (۱۳۸۰)، گروه‌های نحوی در گویش آملی (مازندرانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه علامه طباطبائی (چاپ نشده).
- کاکاوند، جهانگیر (۷۱-۱۳۷۰)، بررسی گویش لکی کاکاوندی قزوین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
- کخانی، یحیی (۱۳۷۴)، بررسی گویش سکوه‌ای شیب‌آبی زابلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی

همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

کلباسی، ایران (۱۳۶۲)، گویش کردی مهاباد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

— (۱۳۶۷ الف)، «دستگاه فعل در گویش لاری»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۱، ش ۱، ص ۱۴۵-۱۷۰.

— (۱۳۶۷ ب)، «ارگتیو در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی»، مجله زبان‌شناسی، سال ۵، ش ۲، ص ۷-۸۷.

— (۱۳۷۰)، فارسی اصفهانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

— (۱۳۷۱)، «تنوع لهجه‌ها در گویش گیلکی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۲۵، ش ۴، ص ۹۳۴-۹۷۶.

— (۱۳۷۳)، گویش کلیمیان اصفهان (یک گویش ایرانی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

— (۱۳۷۴ الف)، «مقایسه‌ای میان گویش‌های کردی مهاباد، سنندج و کرمانشاه»، مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، سال ۵، ش ۱۳ و ۱۴، ص ۵۹-۸۰.

— (۱۳۷۴ ب)، فارسی ایران و تاجیکستان (یک بررسی مقابله‌ای)، دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی وزارت امور خارجه.

— (۱۳۷۵)، «شناسه سوم شخص مفرد در مصادر فارسی»، فرهنگ (ویژه زبان‌شناسی)، سال ۹، ش ۱، ص ۲۷-۳۵.

— (۱۳۷۶ الف)، گویش کلاردشت (رودبارک)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

— (۱۳۷۶ ب)، «تحلیل فعل ایرانی با دیدی نو»، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۳۰، ش ۱ و ۲، ص ۵۵-۶۸.

محمدی اثنیانی، فضل‌الله (۱۳۷۰)، مقایسه گویش لنجان اصفهان با فارسی رسمی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

مرتضوی، سید محمدباقر (۱۳۷۴)، بررسی و تحلیل واج‌شناختی و دستوری گویش بهبهان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

مقیمی، افضل (۱۳۷۳)، بررسی گویش بویراحمد، انتشارات نوید شیراز.

مولوی کاخکی، حسن (۶۸-۱۳۶۷)، بررسی ساختمان دستوری گویش مردم کاخک، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

میرچراغی، سید فرهود (۱۳۶۹)، ساختمان دستوری گویش لکی یا خواجهوندی کلاردشت، انتشارات پرهام نشر.

میرزابیگی، جهان‌شاه (۱۳۶۸)، ساختمان فعل در گویش کردی روستای حریر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

نژادصاحبی، علی‌رضا (۱۳۷۳)، بررسی گویش سبزواری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).

نفرزگوی کهن، مهرداد (۱۳۷۳)، بررسی گویش نالشی دهستان طاسکوه ماسال، پایان‌نامه کارشناسی ارشد،

زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه تهران (چاپ نشده).
ولائی، هما (۱۳۷۸-۷۹)، مقایسهٔ دو لهجهٔ همدانی و تویسرکانی، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی
همگانی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تحصیلات تکمیلی تهران (چاپ نشده).
همایون، همدخت (۱۳۷۱)، گویش افتری، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
یوسفیان، پاکزاد (۱۳۷۱)، گویش بلوچی لاشاری، پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد، زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه
تهران (چاپ نشده).

Sahim, Haideh (1994), "The Dialect of the Jews of Hamedan", in *Irano-Judaica III*, pp. 171-181.
Yarshater, Ehsan (1989), "The Dialect of Borujerd Jews", in *AIO*, Edena Curaverunt L. De Meyer et E.
Haerinck, II, pp. 1030-1045.

